

## فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۶، ویژه تاریخ اسلام

### بررسی آیه تطهیر در تفاسیر شیعه و سنی

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۲/۰۵

فاطمه حسینی\*

#### چکیده

سوره احزاب سوره‌ای مدنی است که حاوی آیات تاریخی ویژه حوادث صدر اسلام هست. این سوره دربردارنده آیاتی در مورد واقعه مهم جنگ احزاب، سنت‌های تاریخی و همچنین آیه تطهیر است. آیه تطهیر از آیات محکم کلام‌الله مجید است که علاوه بر روایات فراوان شیعه، به گواهی احادیث بی‌شمار منقول از طریق اهل سنت نیز در شأن پنج تن آل عبا نازل شده است. هدف از این پژوهش بررسی نقاط افتراق شیعه و سنی درباره آیه تطهیر هست. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تطبیقی به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین تفاسیر شیعی و سنی در ارتباط با آیه تطهیر وجود دارد؟ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در تفسیر بعضی از آیات، اختلافاتی وجود دارد از جمله درباره آیه تطهیر که مفسران شیعه همچون طبرسی و علامه طباطبایی معتقد به عصمت اهل بیت هستند و این آیه را به اهل بیت نسبت می‌دهند ولی مفسران سنی معتقدند که این آیه در مورد زنان پیامبر نازل شده است.

**واژه‌های کلیدی:** سوره احزاب، آیه تطهیر، مفسران شیعه، مفسران سنی.

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی دانشگاه باقرالعلوم (ع).  
\_\_\_\_\_

## مقدمه

از دید قرآن یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید به بررسی و تحقیق پیرامون آن پرداخت تاریخ هست. در قرآن کریم آیات تاریخی زیادی وجود دارد که بخشی از آن‌ها در مورد تاریخ صدر اسلام و عصر رسول خدا ﷺ و بخشی دیگر در مورد تاریخ پیامبران پیشین و یا وقایع و حوادث گذشته است. یکی از سوره‌های تاریخی قرآن، سوره احزاب است. سوره احزاب دارای ۷۳ آیه هست و سوره‌ای مدنی به حساب می‌آید و به موضوعات مختلفی از جمله فرزندانگی زید، واقعه مهم جنگ احزاب، همسران پیامبر، سنت‌های تاریخی و همچنین آیه تطهیر اشاره می‌کند. آیه تطهیر، در قسمت پایانی آیه ۳۳ سوره احزاب قرار گرفته است. این آیه در سوره احزاب و در ضمن آیه‌ای قرار دارد که خطاب صدر آیه متوجه زنان پیامبر است؛ و این موضوع باعث اختلاف میان مفسران شده است. به عبارت دیگر در آیات قبل و بعد از آیه تطهیر به موضوع زنان پیامبر و تکالیف و وظایف آنان پرداخته شده و به صورت خطاب مستقیم و با تعبیر «یا نساء النبی»، یا به گونه خطاب غیرمستقیم و با تعبیر «یا ایها النبی قل لازواجک» آنان را مخاطب قرار داده، وظایف سنگین آن‌ها را بیان فرموده است. ترتیب آیات ۲۸-۳۴ سبب اختلاف میان عالمان و مفسران شیعه و سنی در مورد مخاطب آیه تطهیر شده است. با توجه به این مطلب، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین تفاسیر شیعی و سنی در ارتباط با آیه تطهیر وجود دارد؟.

## آیه تطهیر

«إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)؛ «جز این نیست که اراده خدا به زدودن پلیدی از شما خاندان و پاکیزه ساختن شما به گونه‌ای خاص تعلق گرفته است.» این آیه که به آیه تطهیر شهرت یافته از دیرزمان توجه دانشمندان مختلف اسلامی را به خود جلب کرده است. (جمعی از اساتید و محققان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۸۶)

## دیدگاه‌های مختلف در مصادیق آیه تطهیر

مفسران، محدثان، متکلمان، مورخان و عالمان لغت هر یک به انگیزه و از نگاهی خاص درباره آیه تطهیر سخن گفته‌اند:

الف) منظور از اهل بیت در آیه شریفه همسران پیامبر است. این نظریه به عکرمه، ابن عباس، سعید بن جبیر و عروه بن زبیر نسبت داده شده است.

ب) گروهی معتقدند منظور اصحاب کسا هستند و شامل پیامبر ﷺ، علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن ﷺ، حسین ﷺ و همسران پیامبر ﷺ هستند.

ج) برخی معتقدند که منظور از آن پیامبر ﷺ است. (عاملی، ۱۳۹۲، صص ۱۶-۱۷)

د) منظور از آن بنی هاشم هستند و زنان را در برنمی‌گیرد. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷۹؛ عاملی، ۱۳۹۲، ص ۱۷)

ه) بعضی معتقدند مراد از آن کسانی هستند که با آن حضرت پیوند نسبی یا سببی دارند و منظور کسانی هستند که از نظر جد به پیامبر نزدیک‌ترند.

(و مقصود از آن، زنان هستند و تمام بنی‌هاشم که صدقه بر آنان حرام شد.<sup>۱</sup> (عاملی، همان، ص ۱۷؛ ابن حجر هیثمی، بی تا، صص ۱۴۴-۱۴۳)

(ز) مراد از اهل‌البيت، اهل‌بيت الله الحرام است.

(ح) و بعضی دیگر گفته‌اند مراد اهل مسجد رسول خدا ﷺ است.

(ط) منظور کسانی است که در عرف جزو خاندان آن جناب به شمار می‌روند، چه همسرانش و چه خویشاوندان و نزدیکانش، یعنی آل عباس، آل عقیل، آل جعفر و آل علی. (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۶، ص ۴۸۳)

### آیه تطهیر در تفاسیر شیعه

«وَقَوْلَانِ فِي بُيُوتِكِنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (سوره احزاب/۳۳)

ترجمه: «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شمارا پاک و پاکیزه گرداند.»

### تفسیر تبرج و جاهلیت در آیه

کلمه «تبرج» به معنای این است که زن زینت و آرایش خود را برای مردان نامحرم آشکار کند. (ابن منظور، ۱۴۲۶ هـ، ۲۰۰۵ م، ج ۱، ص ۲۵۶) علامه طباطبایی آن را «ظاهر

۱. ابن حجر هیثمی همه موارد «الف» تا «و» را از مفسران گوناگون آورده است.

شدن در برابر مردم، همان طور که برج قلعه برای همه هویدا است» معنا کرده است. او کلمه (جاهلیه اولی) را به معنای جاهلیت قبل از بعثت می‌داند که در نتیجه مراد از آن، جاهلیت قدیم است و اشاره کرده است که برخی مفسران آن را دوران هشتصدساله مابین آدم و نوح، زمان داوود و سلیمان، زمان ولادت ابراهیم و یا زمان فترت بین عیسی و محمد ﷺ می‌دانند؛ هرچند آن‌ها را نمی‌پذیرد. (طباطبایی، ص ۴۸۳)

امام صادق از پدرش ﷺ در ذیل آیه «وَلَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» روایت کرده‌اند که بعد از جاهلیت اول، جاهلیت دیگری نیز خواهد آمد. (همان، صص ۴۹۵-۴۹۴؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۳)

طبرسی در تفسیر خویش آورده که به اعتقاد «قتاده» و «مجاهد» واژه «تبرج» به مفهوم خرامان‌خرامان راه رفتن و خودنمایی کردن است. به باور پاره‌ای منظور این است که روسری خود را براندازد، اما بی‌آنکه آن را گره زند و گلوبند و گوشواره‌هایش را پنهان سازد، در کوچه و خیابان به راه افتد. این شیوه در جاهلیت میان زنان سبک‌سروا داشت و آیه از این روش ناپسند و زشت هشدار می‌دهد. «قتاده» می‌گوید: منظور از جاهلیت نخستین، روزگار تیره‌وتار پیش از اسلام است. از نظرگاه «حکم» منظور از این اصطلاح، دوران هشتصدساله میان آدم و نوح است. از دیدگاه «شعبی» به دوران طولانی میان بعثت مسیح و محمد ﷺ گفته می‌شود؛ و این تعبیر به این مفهوم نخواهد بود که پس از آن جاهلیت، در روزگار اسلام نیز جاهلیت دیگری خواهد بود، چراکه واژه «اول» در مورد نخستین چیز به کار می‌رود، خواه نمونه دیگری از پی آن پدیدار گردد و یا نمونه‌ای نداشته باشد. به باور پاره‌ای منظور از «خودنمایی جاهلیت نخستین» این است که پیش از اسلام زن می‌توانست برای خود یک همسر داشته باشد و یک دوست؛ و طبق مقررات جاهلیت، پایین‌تنه خود را برای همسرش نگاه دارد و بالاتنه‌اش را برای دوست و معشوق خود واگذارد تا از او بهره‌گیرد. (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲۲-۲۱، صص ۴۷۲-۴۷۱)

### تفسیر رجس در آیه تطهیر

به باور «ابن عباس» واژه «رجس» به مفهوم کار شیطانی و زشتی است که خشنودی خدا را به همراه ندارد؛ واژه «البیت» با الف و لام برای عهد و تعریف آمده و منظور از آن، خانه رسالت و کانون وحی است و در فرهنگ عرب به آنچه بدان پناه می‌برند، «بیت» گفته می‌شود و از این دیدگاه است که برای تبار و نسب، «بیت» و «بیوت» به کاررفته است. از دیدگاه برخی منظور مسجد پیامبر در مدینه است و اصل آن، همانانی هستند که آن حضرت آنان را در کنار مسجد پیامبر سکونت داد و درب خانه آنان را به سوی آن مسجد باز نهاد و درب خانه‌های دیگران را بست و همه مردم مسلمان در این مورد اتفاق نظر دارند که خاندان پیامبر مورد نظر آیه است. (همان، صص ۴۷۴-۴۷۳)

### تفسیر اهل بیت در آیه تطهیر

عده‌ای از مفسران بر این عقیده هستند که مراد از آیه تطهیر، اهل بیت هستند. حال باید دید اهل بیت چه کسانی هستند؟ به طور مسلم فقط زنان آن جناب اهل بیت او نیستند، چون هیچ‌گاه صحیح نیست ضمیر مردان را به زنان ارجاع داد و به زنان گفت (عنکم) - از شما) بلکه اگر فقط همسران اهل بیت بودند، باید می‌فرمود: (عنکن)، بنابراین یا باید گفت مخاطب، همسران پیامبر و دیگران هستند همچنان که بعضی دیگر گفته‌اند: مراد از اهل بیت، اهل بیت الحرام است که در آیه ۳۴ سوره الانفال (إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ) آنان را متقی خوانده و بعضی دیگر گفته‌اند مراد اهل مسجد رسول خدا ﷺ است و بعضی گفته‌اند: همه آن کسانی است که در عرف جزو خاندان آن جناب به شمار می‌روند، چه همسران و چه خویشاوندان و نزدیکان، یعنی آل عباس، آل عقیل، آل جعفر و آل علی. بعضی دیگر گفته‌اند: مراد خود رسول خدا ﷺ و همسران اوست و شاید آنچه به عکرمه و عروه نسبت داده‌اند همین باشد، چون آنان گفته‌اند: مراد فقط و فقط همسران رسول خدا ﷺ است؛ یا

اینکه مخاطب همچنان که بعضی دیگر گفته‌اند: غیر از همسران آن جناب هستند و خطاب در (عنکم - از شما) متوجه اقربای رسول خدا ﷺ است؛ آل عباس، آل علی، آل عقیل و آل جعفر. (طباطبایی، ص ۴۸۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، صص ۱۹۶-۱۹۵) به‌هرحال، مراد از بردن رجس و تطهیر اهل بیت تنها همان تقوای دینی و اجتناب از نواهی و امتثال اوامر است و بنابراین معنای آیه این است که خدای تعالی از این تکالیف دینی که متوجه شما کرده سودی نمی‌برد و نمی‌خواهد سود ببرد، بلکه می‌خواهد شمارا پاک کند و پلیدی را از شما دور سازد و بنابراین آیه شریفه در حد آیه ۶ سوره المائدۀ (مَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) هست و اگر معنا این باشد، آن وقت آیه شریفه، با هیچ‌یک از چندمعنایی که گذشت سازگاری ندارد چون این معنی با اختصاص آیه به اهل بیت منافات دارد زیرا خدا این گونه تطهیر را برای عموم مسلمانان و مکلفین به احکام دین می‌خواهد، نه برای خصوص اهل بیت و درحالی که آیه شریفه دو انحصار را می‌رساند که انحصار دوم تطهیر اهل بیت است. اگر بگوییم مراد از بردن رجس و تطهیر کردن، همانا تقوای شدید و کامل است و معنای آیه این است که این تشدید که در تکالیف متوجه شما کردیم و در برابر، اجر دوچندان هم وعده‌تان دادیم، برای این نیست که خود ما از آن سودی ببریم بلکه برای این است که می‌خواهیم پلیدی را دور نموده و تطهیرتان کنیم، در این معنا هم اختصاص رعایت شده و هم عمومیت خطاب به همسران رسول خدا ﷺ و به دیگران. تنها تفاوت آن است خطاب را در ابتدا متوجه همسران آن جناب نمود و در آخر [در کلمه (عنکم)] متوجه عموم نمود، لیکن این حرف هم صحیح نیست، برای اینکه در آخر، خطاب متوجه غیر از ایشان شده و اگر بگوییم خطاب متوجه همه است چه همسران و چه غیر آنان، می‌گوییم: این نیز باطل است، برای اینکه غیر از همسران، شریک در تشدید تکلیف نبودند و اجر دوچندان هم ندارند و معنا ندارد خدای تعالی بفرماید: اگر به شما همسران رسول خدا ﷺ تکالیف دشوارتری کردیم، برای این است که خواستیم عموم مسلمانان و شمارا پاک نموده و

پلیدی را از همه دور کنیم. خواهی گفت: چرا جایز نباشد که خطاب متوجه همسران رسول خدا ﷺ و خود رسول خدا ﷺ باشد، باینکه تکلیف خود رسول خدا ﷺ هم مانند تکالیف همسرانش شدید است؟ در پاسخ می‌گوییم: نباید همسران آن جناب را با خود آن جناب مقایسه کرد، چون آن جناب مؤید به داشتن عصمت خدایی است و این موهبتی است که با عمل و اکتساب به دست نمی‌آید تا بفرماید تکلیف تو را تشدید کردیم و اجرت را مضاعف نمودیم تا پاکت کنیم، چون معنای این حرف این است که تشدید تکلیف و دوچندان کردن اجر مقدمه و یا سبب است برای به دست آمدن عصمت و به همین جهت هیچ‌یک از مفسرین این احتمال را نداده‌اند که خطاب متوجه رسول خدا ﷺ و همسرانش باشد و بس. اگر ما آن را جزء اقوال ذکر کردیم، به‌عنوان این است که این هم یک احتمال است و خواستیم با ایراد این احتمال نظریه آن مفسرینی که گفته‌اند: مراد خصوص همسران آن جناب است تصحیح کنیم، نه اینکه بگوییم: کسی از مفسرین این احتمال را هم داده است. اگر مراد بردن رجس و پاک کردن، به اراده خدا باشد و در نتیجه مراد این باشد که خدا می‌خواهد به‌طور مطلق و بدون هیچ قیدی شمارا تطهیر کند، نه از راه توجیه تکالیف و نه از راه تکلیف شدید، بلکه اراده مطلقه‌ای است از خدا که شما پاک و از پلیدی‌ها دور باشید، چون اهل بیت پیغمبرید، در این صورت معنای آیه منافی با آن شرطی است که کرامت آنان مشروط بدان شد و آن عبارت بود از تقوی، حال چه اینکه مراد از اراده، اراده تشریحی باشد و چه تکوینی، هر یک باشد با شرط نمی‌سازد، پس معلوم می‌شود اراده مطلقه نیست.» (طباطبایی، صص ۴۸۶-۴۸۴)

«روایاتی وجود دارد درباره اینکه رسول الله ﷺ مدتی را هر صبح به در خانه علی ﷺ می‌آمد و ایشان را اهل البیت خطاب می‌کرد و آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود. پس آیه مورد بحث از جهت نزول جزء آیات مربوط به همسران رسول خدا ﷺ و متصل به آن نیست، حال یا به دستور رسول خدا ﷺ دنبال آن آیات قرارش داده‌اند و یا بعد از رحلت رسول خدا ﷺ اصحاب در هنگام تألیف آیات قرآنی در آنجا نوشته‌اند، مؤید این احتمال



این است که اگر آیه مورد بحث که در حال حاضر جزء آیه (و قرن فی بیوتکن) است، از آن حذف شود و فرض کنیم که اصلاً جزء آن نیست، آیه مزبور با آیه بعدش که می‌فرماید: (و اذکرن) کمال اتصال و انسجام را دارد و اتصالش به هم نمی‌خورد. بنا بر آنچه گفته شد، کلمه (اهل البیت) در عرف قرآن اسم خاص است که هر جا ذکر شود، منظور از آن، این پنج تن هستند، یعنی رسول خدا ﷺ و علی و فاطمه و حسنین علیهم‌السلام و بر هیچ کس دیگر اطلاق نمی‌شود، هر چند که از خویشاوندان و اقربای آن جناب باشد، البته این معنا، معنایی است که قرآن کریم لفظ مذکور را بدان اختصاص داده و گرنه به حسب عرف عام، کلمه مزبور بر خویشاوندان نیز اطلاق می‌شود.» (همان، صص ۴۸۸-۴۸۷)

### منحصر بودن اهل بیت علیهم‌السلام در پنج تن به نقل از ام سلمه

درباره این که خاندان پیامبر چه کسانی هستند دو نظر است:

۱- «عکرمه» بر آن است که منظور همسران پیامبر است، چرا که در آغاز آیه شریفه روی سخن با آنان است.

۲- انبوهی از دانشوران و دانشمندان؛ از جمله «ابوسعید خدری»، «انس»، «وائله»، «عایشه» و «ام سلمه» - دو تن از همسران پیامبر - بر آن اند که منظور آیه شریفه وجود گرانمایه پیامبر و امیر مؤمنان و حسن و حسین و دختر گران قدر او فاطمه است - که درود خدا بر آنان باد - و آیه شریفه ویژه این پنج نور مقدس است. انّ الآیة مختصة برسول الله و علی و فاطمه و الحسن و الحسين علیهم‌السلام.» (طبرسی، ص ۴۷۴)

«در الدر المنثور است که طبرانی از ام سلمه روایت کرده که گفت: رسول خدا ﷺ به فاطمه فرمود: همسرت و دو پسرانت را نزد من حاضر کن، فاطمه ایشان را به خانه ما آورد، پس رسول خدا ﷺ عبايي بافت فدک بر سر ایشان انداخت و دست خود را روی سر همگی آنان گذاشت و گفت: بارالها! این‌ها ایند اهل محمد - و در نقلی دیگر آمده این‌ها هستند آل

محمد- پس صلوات و برکات خود را بر آل محمد قرار ده، همان‌طور که بر آل ابراهیم قرار دادی و تو حمید و مجیدی، ام سلمه می‌گوید: پس من عبا را بلند کردم که من نیز جزو آنان باشم، رسول خدا ﷺ عبا را از دستم کشید و فرمود: تو عاقبت‌به‌خیر هستی. (طباطبایی، ص ۴۹۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۹۸) علامه معتقد است که این روایت را صاحب‌غایه المرام هم از عبدالله بن احمد بن حنبل، از پدرش احمد و او به سند خود از ام سلمه نقل کرده است. (طباطبایی، ص ۴۹۵) «همچنین در الدر المنثور است که ابن‌مردویه، از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت: چون علی ۷ با فاطمه ازدواج کرد، چهل روز صبح رسول خدا ﷺ به در خانه او آمد و گفت، سلام بر شما اهل‌بیت و رحمت خدا و برکات او، وقت نماز است، خدا رحمتتان کند، (انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیراً) من در جنگم، با کسی که با شما بجنگد و آشتی و دوستم با کسی که با شما آشتی و دوست باشد.» (طباطبایی، ص ۴۹۵؛ سیوطی، ص ۱۹۸)

ابن‌مردویه از ام سلمه روایت کرده که گفت: آیه «إِنَّمَا یریدُ اللهُ لیذهبَ عنکمُ الرجسَ أَهْلَ البیتِ وَ یطهرکمُ تطهیراً» در خانه من نازل شد و در خانه، جبرئیل، میکائیل، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام و من حضور داشتیم. در این زمان، عرضه داشتیم: یا رسول الله ﷺ آیا من از اهل‌بیت نیستم؟ فرمود تو عاقبت‌به‌خیری، تو از همسران پیغمبر هستی. (همان، ص ۴۹۵؛ همان، ص ۱۹۸)

ابن‌جریر و ابن‌منذر و ابن‌ابی‌حاتم و طبرانی و ابن‌مردویه همگی از ام سلمه همسر رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ در خانه او عبایی بافت خبیر به روی خود کشیده و خوابیده بود که فاطمه از در درآمد، درحالی‌که ظرفی غذا با خود آورده بود، رسول خدا فرمود: همسرت و دو پسرانت حسن و حسین را صدا بزن، فاطمه برگشت و ایشان را با خود بیاورد، در همان بین که داشتند آن غذا را می‌خوردند. آیه «إِنَّمَا یریدُ اللهُ لیذهبَ عنکمُ الرجسَ أَهْلَ البیتِ وَ یطهرکمُ تطهیراً» نازل شد؛ پس رسول خدا ﷺ زیادی

جامه‌ای که داشت بر سر آنان کشید، آنگاه دست خود را از زیر کسا بیرون آورد، به آسمان اشاره کرد و سه مرتبه عرضه داشت: بارالها این‌ها اهل بیت من و خاصان من هستند، پس پلیدی را از ایشان ببر و تطهیرشان کن. ام سلمه می‌گوید: من سرخود را در زیر جامه بردم و عرضه داشتم: یا رسول الله ﷺ منہم با شمایم، حضرت دو بار فرمود: تو عاقبت به خیری. (همان، صص ۴۹۶-۴۹۵؛ همان، ص ۱۹۸) علامه طباطبایی معتقد است که این حدیث را صاحب غایه المرام از عبدالله پسر احمد بن حنبل، به سه طریق از ام سلمه نقل کرده و همچنین تفسیر ثعلبی نیز آن را روایت کرده است. (طباطبایی، ص ۴۹۶)

«ابوحزمه ثمالی» در تفسیر خود از «ام سلمه» آورده است که روزی فاطمه علیها السلام نزد پیامبر آمد و سوپی خاص برای پدرش آورد؛ پیامبر به او فرمود: فاطمه جان! همسر ارجمند و دو فرزند دل‌بندت حسن و حسین را نزد دعوت کن. دختر پیامبر آنان را به خانه پدر فراخواند و همگی از آن غذا خوردند؛ آنگاه پیامبر کسای خیبری را بر سر آنان برافراشته داشت و رو به بارگاه خدا برد و نیایشگرانه گفت: اللهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً؛ بار خدایا! اینان خاندان گران‌مایه من هستند، پس پلیدی و آلودگی را هماره از آنان دور داشته و آنان را آن‌گونه که باید پاک و پاکیزه دار. «ام سلمه» می‌گوید: من با دیدن این منظره دل‌انگیز و آن نیایش شورآفرین پیامبر بر آن شدم که خود را در شمار آنان درآورده و مشمول دعای آن حضرت گردم که پیامبر فرمود: ام سلمه! تو به خیر و سلامت در عقیده خواهی ماند، اما از اینان نیستی». (طبرسی، صص ۴۷۶-۴۷۵؛ ثمالی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۶۷)

### دیدگاه پیروان مذهب اهل‌بیت در آیه تطهیر

«به باور پیروان مذهب اهل‌بیت آیه مبارکه تطهیر ویژه پیامبر و امیر مؤمنان و دختر پیامبر و فرزندان ایشان، حسن و حسین علیهم‌السلام است، چراکه واژه «انما» برای اثبات مطلب

پس از خود و برای انحصار است، از این رو هنگامی که گفته می‌شود: انما لک عندی درهم و یا زمانی گفته می‌شود: انما فی الدار زید، مفهوم آن این است تنها برای تو نزد من درهم و دینار است، نه برای دیگری و یا فقط «زید» در خانه است و بس؛ با این بیان این اراده و خواست خدا در آیه شریفه، یا خواست و اراده تنهاست و یا اراده و خواستن ویژه است که از پی خویش پاک داشتن و دور ساختن آنان از هرگونه لغزش و گناه و مصونیت آن پنج نور مقدس را به ارمغان می‌آورد؛ روشن است که این اراده نمی‌تواند خواست تشریحی خدا باشد، چراکه چنین خواست و اراده‌ای شامل همه انسان‌ها می‌شود و خدا برای همه، درست اندیشی و شایسته کرداری را خواسته است و نه برای خاندان پیامبر به صورت اختصاصی و انحصاری و از آنجایی که این بیان در راه ستایش و مدح آنان فرود آمده است، هیچ تردیدی نمی‌ماند که خواست و اراده خدا در آیه شریفه همان خواست تکوینی برای مصون داشتن آنان از هر پلیدی و گناه و لغزش مورد نظر آفریدگار هستی است و این موهبت ویژه پیامبر و خاندان اوست». (طبرسی، ص ۴۷۹)

### یک پرسش و پاسخ آن

طبرسی در ادامه این پرسش را نیز مطرح می‌کند که اگر به راستی آیه تطهیر در مورد پنج تن است، چرا در ابتدا به همسران پیامبر اشاره و سپس به بیان مطلب مورد بحث می‌پردازد و مجدد به ادامه سخن با آنان بازمی‌گردد؟ «در پاسخ باید گفت: سخن‌شناسان و سخن‌دانان عرب خوب می‌دانند که در فرهنگ سخنوران توانا و نکته‌سنج عرب، این شیوه رایج است و آنان در سرودها و نثرهای خویش بسیار از این شیوه بهره می‌گیرند و در قرآن نیز از این نمونه و این شیوه گفتار، بسیار است». (همان، ص ۴۸۰)

با بررسی هر دو تفسیر می‌توان به این نتیجه رسید که تفاوت چندانی بین هر دو تفسیر وجود ندارد جز این که تفسیر طبرسی روایت‌های بیشتری را نقل کرده است ولی نظرات هر دو باهم شباهت دارد.

### آیه تطهیر در تفاسیر اهل سنت

«وَقَوْلَانِ فِي يُبُوتِكِنَّ وَلَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمَنَّ الصَّلَاةَ وَآتَيْنَ الزَّكَاةَ وَ  
أَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (سوره  
احزاب/۳۳) «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را  
آشکارا مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط  
می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شمارا پاک و پاکیزه گرداند».

### تفسیر تبرج و جاهلیت در آیه

«مراد از «الجاهلیه الأولى» جاهلیت پیشین است که از آن به «جاهلیه  
الجهلاء/جاهلیت نادانان» هم تعبیر می‌کنند و مراد جاهلیت زمان حضرت ابراهیم علیه السلام  
است. برخی از مفسران هم آن را جاهلیت حاصل شده در فاصله بین حضرت آدم تا حضرت  
نوح علیه السلام، یا بین نوح و ادريس علیه السلام و یا زمان داود و سلیمان علیه السلام دانسته‌اند و مفهوم مخالف  
آن «الجاهلیه الأخری» است که از زمان حضرت عیسی تا زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.  
هم‌چنین مراد از «الجاهلیه الأولى» می‌تواند جاهلیت کفر پیش از اسلام و مراد از  
«الجاهلیه الأخری» ناکاری و ناهنجاری زمان اسلام باشد». (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۳،

بین نوح و ادريس هزار سال بود و از فرزندان آدم، يك نسل ساكن دشت و ديگري ساكن كوه بود. مردان كوهي زيبا بودند و زنان كوهي زشت. مرداني كه در دشت بودند زشت بودند، برعكس زنانشان. شيطان يكبار به شكل يك خادم به نزد اين اهالي دشت آمد و يك جور سازي براي نشان زد كه آنان را به طرب درآورد. از آن به بعد يكبار در سال جمع شدند و مردها براي زنان جلوه گري مي كردند زن ها هم خودشان را براي مردان زينت مي كردند. يكبار يك مرد كوهي زنان دشتي راديد بالاي كوهها رفت و بقيه مردها را با خود آورد و باهم در اين مراسم مشغول شدند و گناهي در اين مراسم رخ داد.

به نظر طبري صحيح ترين قول اين است كه گفته شود خداوند اين قسمت آيه را مدنظر قرار داده و زنان پيامبر را از عشوه گري نهی کرده است و مي تواند اين جاهليت بين آدم و عيسي باشد در اين صورت به اين معنا هست كه به شيوه جاهليت قبل از اسلام خودنمايي نكنيد.

اگر كسي بگويد آيا در اسلام هم جاهلتي بوده كه اين آيه اشاره به جاهليت اولي دارد در جواب گفته مي شود پس از اسلام هم مردم گوشه اي از اخلاق جاهليت داشته اند.

يونس از اين زيد نقل مي كند كه گفت آيا در اسلام جاهلتي هست؟ گفت روزي ابي درداء با مردی دعوا می کرد ابي درداء به آن مرد گفت يابن فلانه يابن فلانه و اين فلانه يك زنی بود كه در جاهليت يك ننگي به بار آورده بود. پيامبر به ابي درداء گفت در تو جاهليت هست، ابي درداء گفت اين جاهليت كه در من هست كفر هست يا اسلام؟ پيامبر فرمود كفر است، گفت آرزو كردم از امروز مسلمان مي شدم و پيامبر فرمود سه عمل از اهل جاهليت هست كه مردم آن را رها مي كنند و همدیگر را به اصل و نسب مورد طعن قرار مي دهند؟ طلب باران كردن از ستاره ها (يك نوع بت پرستي)، نوحه سرابي بي جا، آواز سردادن.

یونس از عمر بن خطاب نقل می‌کند که مناظره‌ای میان ابن عباس و عمر بن خطاب در مورد وجود جاهلیت اولی و اخری وجود داشته و ابن عباس با استناد به آیات قرآن توانست مصداقی برای هر یک بیان کند. او جاهلیت اول را بین آدم و نوح و یا بین ادريس و نوح دانسته و جاهلیت اخری را بین حضرت عیسی و پیامبر خاتم دانسته است. پس اگر این سخن درست باشد پس بر گفته خداوند که فرموده از جاهلیت اولی دوری کنید، تطابق دارد». (طبری، ۱۴۳۰-۱۴۲۹ ه.ق، ج ۱۲-۱۱، صص ۶-۷)

### تفسیر رجس در آیه تطهیر

در تفسیر طبری آمده که بشر از قتاده و همچنین یونس از ابن زید نقل می‌کند در تفسیر «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» منظور از رجس در اینجا شیطان است و شرک نیز، رجس و پلیدی دیگری به حساب می‌آید. (همان، ص ۸)

### تفسیر اهل بیت در آیه تطهیر

شرح و تفسیر طبری از آیه تطهیر به این ترتیب است که اهل تأویل در این که منظور از اهل بیت چه کسانی هستند اختلاف دارند. محمد بن مثنی از ابی سعید خدری نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: این آیه در شأن ۵ نفر نازل شد: من و علی و حسن و حسین و فاطمه علیها السلام؛ که خدا اراده کرده که رجس و پلیدی را از ما خاندان پاک نماید و ما را پاک و مطهر گرداند.

طبری در این باره از ابن و کعب چند روایت می‌آورد. یکی اینکه او از صفیه بنت شیبیه نقل می‌کند که گفت عایشه گفت: یک روز صبح پیامبر خارج شد و عبایی از موی سیاه بر تن داشت. پس امام حسن علیه السلام آمد و با او وارد عبا شد. سپس حضرت علی علیه السلام آمد و با او وارد عبا شد سپس فرمود: همانا خداوند اراده کرده تا شما اهل بیت رسول خدا را از هرگونه

رجس و پلیدی پاک گرداند. همچنین او از انس و درجایی دیگر از اهل بیت نقل می‌کند: پیامبر ﷺ در مدت ۶ یا ۷ ماه هر زمان که برای نماز از خانه خارج می‌شد از جلوی خانه حضرت زهرا سلام‌الله علیها رد می‌شد و می‌گفت: ای اهل بیت! نماز [را برپا دارید، یعنی زمان نماز است]. همانا خدا اراده کرده تا شما اهل بیت را از هر رجس و پلیدی پاک گرداند». طبری از بسیاری از تابعین و صحابه چون موسی بن عبدالرحمن مسروقی از ام سلمه، عبد الأعلى بن واصل از ابی‌عمار، عبدالکریم بن ابی‌عمیر از شداد ابوعمار، ابوبکر از ام سلمه، أحمد بن محمد طوسی از عمر بن ابی‌سلمه، محمد بن عماره از ابی‌الدیلم و ... نیز روایاتی آورده است که در آنها تأیید کرده‌اند که پیامبر ﷺ، امام علی علیه‌السلام، حضرت زهرا علیها السلام و حسنین را در یکجا جمع کرده‌اند و عباي خویش را بر روی آنها کشیده و به حالت دعا فرموده‌اند که این افراد اهل بیت من هستند، پروردگارا آنان را از پلیدی‌ها دور کن.

او می‌افزاید که برخی نیز گفته‌اند منظور از اهل بیت همسران پیامبر هست. کسانی که بر این عقیده‌اند گفته‌اند ابن حمید از حکیم بن سعد نقل می‌کند که گفت عکرمه در بازار ندا می‌داد و آیه تطهیر را می‌خواند و می‌گفت: این آیه در شأن زنان پیامبر نازل شده است». (همان، صص ۱۲-۸)

زمخشری در این آیه به همسران رسول خدا ﷺ فرمان می‌دهد که نماز بگذارند و زکات بپردازند، آنگاه به‌طور عموم از آنان می‌خواهد که به طاعات دیگر نیز پایبند باشند. آنگاه توضیح می‌دهد از آن روی زنان پیامبر ﷺ مورد امر و نهی قرار گرفته و خدای متعال به آنان پند داده است؛ چراکه اهل بیت رسول خدا نباید مرتکب گناهی شده و با پرهیز و پروا خود را از ارتکاب گناه دور نگاه دارند. «أهل البیت» بنا بر ندا یا به مدح منصوب شده و این دلیلی آشکار است که زنان پیامبر نیز جزو اهل بیت آن حضرت هستند». (زمخشری، ص ۷۳۳)



به نظر می‌رسد زمخشری در مورد اصل جاهلیت با طبری هم‌عقیده است اما درجایی که صحبت در مورد مصادیق اهل بیت است، زمخشری زنان را اهل بیت دانسته اما طبری در روایات متعدد امام علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام و حسنین را اهل بیت دانسته و در روایتی جدا همسران پیامبر را نیز در این گروه وارد کرده است.

### نتیجه‌گیری

سوره احزاب سوره‌ای مدنی است که حاوی آیات تاریخی ویژه حوادث صدر اسلام هست که از جمله این آیات تاریخی، آیه تطهیر است. درباره این آیه، میان مفسران شیعه و سنی اختلافاتی وجود دارد. مفسران مذهب اهل بیت علیهم السلام آیه تطهیر را دلیل اساسی بر عصمت اهل بیت می‌دانند و معتقدند که آنان هیچ‌گاه دچار اشتباه و گناه نمی‌شوند. علاوه بر این مفسران مذهب اهل بیت علیهم السلام مسئله سیاق را یک اصل مطلق و بدون استثنا نمی‌دانند و با استدلال به ادله، شواهد و قرائن متعدد و غیرقابل انکار، آیه تطهیر را مختص به خمسه طیبه علیهم السلام می‌شمارند.

برخلاف مفسران شیعه، برخی مفسران اهل سنت مانند محمد بن جریر طبری (۲۲۴ هـ - ۳۱۰ هـ) در تفسیر جامع البیان - معروف به تفسیر الطبری - در ذیل آیه تطهیر، ابتدا به تبیین اجمالی آیه می‌پردازد و سپس به دو دیدگاه مربوط به آیه تطهیر اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها اختصاص آیه به پنج تن آل عبا علیهم السلام و دیگری اختصاص آن به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله است. همچنین طبری در ذیل دیدگاه اول چهارده روایت را می‌آورد، ولی در ذیل دیدگاه دوم تنها به نقل یک روایت از عکرمه می‌پردازد. طبری دیدگاه خود را در این خصوص بیان نکرده، ولی چنین به نظر می‌رسد که وی متمایل به دیدگاه اول و اختصاص آیه به خمسه طیبه است که در همین خصوص تعداد قابل توجهی روایت نیز نقل کرده است. طبری در تفسیر خود تلویحاً بر اختصاص آیه تطهیر به خمسه طیبه علیهم السلام اشاره

می‌کند، ولی از چنین مفسر بزرگی انتظار می‌رفت که همچون تفسیر سایر آیات قرآنی، دیدگاه خود را به‌صراحت بیان می‌نمود و از پنهان‌کاری پرهیز می‌کرد.

علیرغم وجود دیدگاه علمای اهل سنت و با عنایت به اصل حجیت ظواهر قرآن کریم، بسیار بعید است که آیه تطهیر شامل همسران رسول خدا ﷺ باشد. چون در آیه تطهیر برخلاف آیات قبل و بعد، تنها ضمائر مذکر به‌کاررفته است و به‌جای «عنکن» و «یطهرکن»، عبارت‌های «عنکم» و «یطهرکم» آمده است که این هم همسران پیامبر اکرم ﷺ را از دایره شمول آیه تطهیر خارج می‌سازد.

دلیل دیگر بر بطلان دیدگاه اهل سنت آنکه بر اساس روایات صحیح و متواتر فریقین، پیامبر اکرم ﷺ آیه تطهیر را هنگام نزول و بعدازآن برای امت خود به‌خوبی تفسیر نموده و مصداق و مصادیق اهل‌بیت در آیه تطهیر را روشن ساخته است که به‌هیچ‌وجه شامل همسران پیامبر اسلام ﷺ نمی‌شود. اگر چنین احتمالی وجود داشت، پیامبر اسلام ﷺ به ام سلمه رضی الله عنها اجازه ورود به داخل کسا را می‌داد و او نیز جزئی از اهل‌بیت مورد اشاره در آیه تطهیر می‌شد.

درباره بطلان عقاید اهل‌تسنن مبنی بر اشاره آیه تطهیر به زنان پیامبر، علامه طباطبایی بر این اعتقاد هستند که میان این آیه و آیات قبلی اتصال وجود ندارد. به‌عبارت‌دیگر علامه می‌فرماید: «آیه موردبحث از جهت نزول جزو آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ و متصل به آن نیست؛ حال این است که آیه تطهیر را یا به‌دستور پیامبر در آیه ۳۳ قرار دادند و یا بعد از رحلت ایشان و در هنگام تألیف آیات قرآنی به‌وسیله صحابی آن را در این مکان نوشته‌اند. مؤید این احتمال آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» هست که اگر آیه تطهیر از آن حذف شود، انسجام و اتصال آیه مزبور با آیه ۳۴ از بین نمی‌رود.

دلیل دیگر بر بطلان این عقاید، عدم ارتباط صدوری و یا پیوستگی در نزول است؛ تا در یک سیاق و جایگاه موردبررسی قرار گیرند؛ چراکه لحن آیه تطهیر، لحن تکریم و

تشریف است و لحن صدر و ذیل آن، لحن تهدید، تشویق، تکلیف و توجه دادن به مسئولیت هست.<sup>۱</sup> (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸)

---

۱. ر.ک: علی اکبر بابایی و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجبی، چاپ اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، جلد یازدهم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق
۲. ابن حجر هیثمی، احمد، الصواعق المحرقة، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، مصر: مکتبه القاهره، بی تا
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، جلد اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ هـ، ۲۰۰۵ م
۴. بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجبی، تهران: سمت، ۱۳۷۹
۵. ثمالی، ابوحزه، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالمفید، ۱۴۲۰ ق
۶. جمعی از اساتید و محققان، دانشنامه کلام اسلامی، جلد اول، تهران: مؤسسه امام صادق، ۱۳۸۷
۷. زمخشری، محمود بن عمر بن محمد، تفسیر کشاف، جلد سوم، ترجمه مسعود انصاری، تهران: ققنوس، ۱۳۸۹
۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلد پنجم، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد شانزدهم، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چ دوم، [بی جا]، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۶
۱۰. طبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۲۱ و ۲۲، تحقیق و نگارش علی کرمی، ویرایش محمدرضا انصاری، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۸۰
۱۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱ و ۱۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۳۰-۱۴۲۹ هـ.ق
۱۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، اهل بیت در آیه تطهیر، ترجمه محمد سپهری، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲
۱۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴
۱۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳